

تبریک کافی نیست!



وحید عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

هر سال ۱۷مرداد که می‌رسد، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها پر می‌شود از پیام‌های تبریک مسئولان؛ پیام‌هایی پر از جملات زیبا، گاهی شاعرانه و اغلب به تکراری، اما پشت این تبریک‌های رسمی، واقعیتی تلخ پنهان است؛ واقعیتی که سال‌هاست اهالی رسانه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند: نبود حمایت واقعی،

بی‌توجهی به اجرای قانون و فرسودگی در شغلی که رسماً سخت و زیان‌آور شناخته شده است، اما عملاً مزایای آن به بسیاری از خبرنگاران نمی‌رسد. بر اساس بند ۳ ماده ۱۱ آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور، شغل خبرنگاری جزو مشاغل سخت است و خبرنگاران باید زودتر از موعد بازنشسته شوند، مشاغل سخت و زیان‌آور مشاغلی هستند که به جسم و روان انسان بیش از حد طبیعی فشار وارد کنند. این مشاغل دو گروه دارند: گروه الف؛ سختی شغل با تغییر شرایط و تهدیدات ایمنی قابل کاهش یا حذف است. گروه ب؛ حتی با بهترین امکانات، سختی و زیان‌آور بودن باقی می‌ماند. خبرنگاری در گروه ب است. چرا؟ چون خبرنگار هر روز در معرض استرس عصبی، فشار زمانی، خطرات میدانی، تهدیدات حقوقی، بی‌ثباتی شغلی و درآمد پایین قرار دارد. از حوادث طبیعی و بحران‌های اجتماعی تا نشست‌های فرسایشی و پیگیری پرونده‌های حساس، همه و همه بخشی از کار روزانه اوست، به همین دلیل قانونگذار پیش‌بینی کرده است خبرنگاران، بعد از ۲۰سال کار متوالی یا ۲۵سال کار متناوب، بتوانند پیش از موعد بازنشسته شوند، حتی برای کسانی که کمتر از این مدت سابقه دارند، هر سال فعالیت

معادل شش ماه سابقه ارفاقی محسوب می‌شود.

بر اساس قانون، کار در مشاغل سخت و زیان‌آور نباید بیش از شش ساعت در روز یا ۳۶ ساعت در هفته باشد، اما مزایای اصلی در بازنشستگی پیش از موعد خلاصه می‌شود؛ مزایایی که یک شرط کلیدی دارد: کارفرما باید از ۴درصد حق بیمه را بپردازد. اینجا گره اصلی پدیدار می‌شود. بسیاری از کارفرمایان، چه در رسانه‌های بزرگ و چه کوچک، از پرداخت این ۴درصد خودداری می‌کنند. قانون به سازمان تأمین اجتماعی اجازه داده است در چنین مواردی حساب کارفرما را مسدود کند، اما این ابزارها به ندرت به کار گرفته می‌شوند، به‌ویژه زمانی که پای حساب حقوق کارکنان یا رسانه‌های محدود به بودجه اندک در میان باشد. مشکل فقط پرداخت نکردن نیست. در مواردی حتی عنوان شغلی خبرنگار در فهرست بیمه تغییر می‌کند. فرد سال‌ها کار خبری کرده، اما در بیمه با عنوان «کارمند اداری» یا «پرواستار» ثبت شده است، در نتیجه هنگام درخواست بازنشستگی، سابقه‌اش قابل استناد نیست و تمام زحماتش بی‌اثر می‌شود. این یعنی قانون است، اما اجرای آن برای خبرنگار، گاهی دشوارتر از گرفتن یک خبر فوری است.

قانون مطبوعات تعریف روشنی از خبرنگار ندارد ولی وزارت کار، با حضور نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، می‌تواند فردی را به عنوان خبرنگار شناسایی کند، اما روند اداری آن طولانی و پرابهام است. نبود تعرفه دقیق، باعث شده است افرادی که هیچ‌گاه کار خبری نکرده‌اند، صرفاً با عنوان یا کارت خبرنگاری، از مزایای قانونی استفاده کنند. در مقابل، خبرنگاران واقعی گاهی به دلیل نقص در مدارک یا اختلاف در عنوان شغلی، از حقوق‌شان محروم می‌مانند. این ابهام، ریشه بسیاری از سوءاستفاده‌هاست. وقتی مرز شفاف نباشد، هم منابع محدود هدر می‌رود و هم اعتماد خبرنگاران واقعی به نظام حمایتی سست می‌شود. دولت اخیراً لایحه‌ای به مجلس ارائه کرده است تا فهرست مشاغل سخت و زیان‌آور بازتعریف شود. سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید هدف، به‌روزرسانی فهرست و انطباق آن با شرایط امروز است، اما کمیسیون برنامه و بودجه مجلس مخالفت کرده و تأکید داشته است خبرنگاری باید در این فهرست باقی بماند، با این حال این نگرانی وجود دارد که بازتعریف ممکن است بهانه‌ای برای حذف یا محدود کردن مزایا شود. تجربه نشان داده است هر گاه اصلاحات قانونی بدون حضور و فشار یک تشکل صنفی قدرتمند انجام شده، منافع صنف در خطر افتاده است.

نکته دیگر آنکه وزارت کار و ادارات استانی آن، مسئولیت مستقیم در اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور دارند، بنابراین روند شکایت و پیگیری خبرنگاران باید ساده، شفاف و کوتاه شود. بازرسی‌های دورهای باید تضمین کند که عناوین شغلی در دست در بیمه ثبت می‌شود و کارفرمایان سهم ۴درصدی را می‌پردازند. اینکه خبرنگار مجبور باشد مامه‌وقت و ان‌رزی صرف اثبات بدیهی‌ترین حق قانونی خود کند، خود مصداق دیگری از فشار شغلی است که قانون قرار بوده است از آن بکاهد. شاید همه این مشکلات در یک عامل مشترک یعنی «نبود یک تشکل صنفی قوی، ملی و فراگیر» ریشه داشته باشد. خبرنگاران بر خلاف بسیاری از گروه‌های شغلی، اتحادیه یا سندیکایی با قدرت چانه‌زنی بالا ندارند. پرکندگی و نبود هماهنگی، باعث شده است در مواجهه با مشکلات، هر کس به تنهایی اقدام کند؛ مسیری که در برابر دستگاه‌های بزرگ و قوانین پیچیده، عملاً نتیجه‌ای نمی‌دهد. اگر یک صنف قدرتمند وجود داشت، مسئله ۴درصد حق بیمه، تعریف دقیق خبرنگار یا بازنگری قوانین، پشت درهای بسته و بدون نظر اهالی حرفه تصمیم‌گیری نمی‌شد.

۱۷مرداد نباید فقط روز تبریک و تجلیل نمادین باشد، این روز باید بهانه‌ای باشد برای مرور مشکلات، یادآوری وظایف قانونی مسئولان و مطالبه‌گری جمعی. خبرنگاری، ستون شفافیت و آگاهی جامعه است، اما ستون‌ها هم اگر بی‌توجهی ببینند، ترک می‌خورند و سقف

حقیقت بر سر همه فرو می‌یزد. بی‌توجهی به امنیت شغلی و سلامت خبرنگاران، بی‌توجهی به سلامت جامعه است. آنچه خبرنگاران نیاز دارند، نه فقط کل و شریینی این روز که اجرای دقیق قانون، پرداخت بوقع سهم ۴درصدی، ثبت درست عنوان شغلی و ایجاد یک تشکل صنفی قدرتمند است. اگر مسئولان می‌خواهند روز خبرنگار فقط یک مناسبت تقویمی نباشد، باید این چند قدم ساده اما اساسی را بدارند:

۱. تعریف روشن و قانونی از «خبرنگار» ارائه دهند تا مرزها شفاف شود.
۲. کارفرمایان را ملزم کنند عنوان شغلی و سهم ۴درصدی را دقیق ثبت و پرداخت کنند.
۳. روند رسیدگی به شکایات و پرونده‌های بازنشستگی را کوتاه و شفاف کنند.

۴. از ایجاد و تقویت تشکل‌های صنفی مستقل و ملی حمایت کنند.
۵. سامانه‌ای برای استعلام عنوان شغلی و سابقه بیمه‌ای خبرنگاران با اندازه‌زی کنند.

جان کلام آنکه روز خبرنگار فرصتی است برای بازنگری در وضعیت قانونی و صنفی این حرفه، نه صرفاً تبریک‌های نمادین. شغل خبرنگاری بر اساس مصوبات قانونی، در زمره مشاغل سخت و زیان‌آور قرار دارد و باید تمامی مزایا و حمایت‌های مرتبط با آن اجرا شود. رفع مشکلات موجود، از جمله پرداخت سهم ۴درصدی کارفرمایان، ثبت صحیح عنوان شغلی در بیمه و ایجاد سازوکار شفاف برای شناسایی خبرنگاران، نیازمند عزم جدی نهادهای مسئول است. حل این مسائل نه تنها حقوق خبرنگاران را تضمین می‌کند، بلکه پایداری و کیفیت جریان اطلاع‌رسانی را در کشور حفظ و از فرسایش سرمایه انسانی رسانه‌ها جلوگیری می‌کند.

گزارش یک ساعده زمانی

تسهیلات خرد می‌تواند به توسعه سرمایه‌گذاری‌های کوچک و اقتصاد کمک کند اما دسترسی به وام‌های بانکی آنقدر سخت شده است که بسیاری عطای گرفتن وام را به لقایش بخشیده و به پلتفرم‌های وام‌دهی با سود بالا پناه آورده‌اند.

■ ■ ■

وعده دولت‌ها برای آسان‌سازی مسیر دریافت تسهیلات خرد بیشتر روی کاغذ باقی مانده است. بوروکراسی‌های پیچیده و وثایق سنگین و ارزی‌هایی پیچیده مسیر دریافت وام را برای مردم سخت کرده است. این مسئله در جلسه اخیر رئیس کل بانک مرکزی و مدیران عامل شبکه بانکی با رئیس اعضای کمیسیون اقتصاد مجلس شورای اسلامی نیز مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. در این جلسه محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی از مدیران عامل بانک‌ها خواست شبکه بانکی در پرداخت تسهیلات خرد و تسهیلات قرض‌الحسنه از دواج و فرزندآوری به مردم مطابق بخشنامه بانک مرکزی و ضمن رعایت اعتبارسنجی، با حداکثر یک ضامن عمل کند و مدیران عامل شبکه بانکی نیز بر رعایت این بخشنامه در تمام شعب بانک‌ها نظارت مستقیم داشته باشند.

رونق خرید و فروش امتیاز وام!

سختگیری و بر خورد سلیقه‌های شعب بانکی باعث شده است بخش قابل توجهی از متقاضیان وام، امکان استفاده از تسهیلات بانکی را نداشته باشند و در نهایت به دو شیوه به دریافت وام رضایت داده‌اند. یکی از این روش‌ها به سپرده‌گذاری و دیگری به خرید و فروش امتیاز وام بازمی‌گردد که در حال حاضر به امری عادی تبدیل شده است. در شیوه سپرده‌گذاری، فرد متقاضی مبلغی را به‌عنوان سپرده نزد بانک قرار می‌دهد و بدون برداشت از آن، به ازای هر روز ماندگاری سپرده، امتیازی برای دریافت وام به اشخاص تعلق می‌گیرد.

بانک‌ها بر اساس میزان امتیاز، سقف مشخصی برای وام در نظر می‌گیرند که این امر برای بسیاری از مردم امکان‌پذیر نیست و برای تسهیل این معضله مبلغ این سپرده‌ها از ۲۰۰ تا ۶۰۰میلیون است، بسیاری حتی توان سپرده‌گذاری ۵۰میلیون تومان را نیز ندارند. در روش دیگر شخص متقاضی تسهیلات، امتیاز وام از شخصی را که سپرده‌گذاری کرده است، خریداری می‌کند. در شرایطی که به صورت معمول سود بانک‌ها حدود ۲۰ تا ۳۰درصد است، متقاضی خرید امتیاز وام این مبلغ را بعضاً با سود ۴درصد نیز خرید می‌کند. به عنوان مثال برای دریافت وام ۱۰۰میلیون تومانی شخص خریدار امتیاز وام ۴۰میلیون تومان هزینه می‌پردازد. شاید در نگاه اول این سود به صرفه نباشد اما با توجه به وضعیت تورم

گزارش ۲

کارشناسان حوزه کشاورزی و منابع آب معتقدند محاسبه دقیق مصرف آب در بخش کشاورزی تنها با اجرای طرح تحویل حجمی آب ممکن خواهد بود. این روش، یکی از پایه‌های اصلی برای یهینه‌سازی مصرف آب و اجرای الگوی کشت به‌شمار می‌آید.

■ ■ ■

بر اساس گزارش‌های رسمی، در سال‌هایی که میانگین بارش کشور حدود ۲۳۰میلی‌متر است، میزان مصرف آب در بخش کشاورزی حدود ۷۰میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود، اما در سال جاری به دلیل کاهش چشمگیر بارندگی‌ها، این رقم به حدود ۵۰میلیارد مترمکعب کاهش یافته است، این در حالی است که مجموع آب تجدیدپذیر کشور حدود ۱۰۰میلیارد مترمکعب تخمین زده می‌شود و سهم بخش کشاورزی از این میزان، حدود ۷۰درصد است.

این آمارها بر پایه محاسبات علمی و اطلاعات نهادهای مسئول در حوزه آب کشور منتشر شده‌اند و نشان می‌دهند کشاورزی همچنان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده منابع آبی کشور است، با توجه به اهمیت این موضوع، یکی از راهکارهای مورد تأکید کارشناسان برای مدیریت بهتر منابع، تحویل حجمی آب به کشاورزان است. در این روش، آب بر اساس حجم مشخص و تعریف‌شده به بهره‌برداران تحویل داده می‌شود.

این امر علاوه بر فراهم کردن امکان نظارت دقیق‌تر بر مصرف، به کشاورزان نیز کمک می‌کند در تعیین الگوی کشت خود، به شکل علمی و مطابق منابع موجود برنامه‌ریزی کنند.

برخی از متخصصان حوزه کشاورزی تأکید دارند در صورت اجرای سراسری تحویل حجمی، شفافیت در تخصیص منابع آبی افزایش می‌یابد

و همچنین بوروکراسی‌های پیچیده که دست متقاضیان را از دریافت وام کوتاه کرده باعث شده است بسیاری از متقاضیان این نرخ را قابل قبول بدانند و از خرید وام رضایت داشته باشند.

روی آوردن مردم به لندتک‌ها

به رغم سود بالای لندتک‌ها و اپلیکیشن‌های وام‌دهی قسطلی، متقاضیان وام به پلتفرم‌های وام‌دهی پناه آورده‌اند. سود این پلتفرم‌ها از ۲۰ تا ۶۰درصد نیز می‌رسد، با این حال سختگیری بانک‌ها برای پرداخت وام باعث شده است متقاضیان وام به این پلتفرم‌ها نیز رضایت دهند.

محدودیت دیگر این پلتفرم‌ها به شیوه پرداخت وام بازمی‌گردد که به جای دریافت نقدینگی می‌توان تنها کالا خرید. همین شیوه پرداخت وام، دست متقاضیان را برای انتخاب بسته است، با این حال رونق دریافت تسهیلات از لندتک‌ها نشان می‌دهد بانک‌ها چاره‌ای برای مردم باقی نگذاشته‌اند.

مصوبه جدید دولت برای تسهیل ضمانت‌های بانکی

در تازه‌ترین اقدام، بانک مرکزی در بخشنامه‌ای در تازمه‌رستی از ۵نوع دارایی را به عنوان خریداری می‌کند. در شرایطی که به صورت معمول سود بانک‌ها حدود ۲۰ تا ۳۰درصد است، متقاضی خرید امتیاز وام این مبلغ را بعضاً با سود ۴درصد نیز خرید می‌کند. به عنوان مثال برای دریافت وام ۱۰۰میلیون تومانی شخص خریدار امتیاز وام ۴۰میلیون تومان هزینه می‌پردازد. شاید در نگاه اول این سود به صرفه نباشد اما با توجه به وضعیت تورم

سرویس اقتصادی ۶۰۰۸۸۵۲۳۰

بانک‌ها زیر بار مصوبه جدید دولت می‌روند؟

متقاضیان تسهیلات از دست بانک‌ها به سکوهای وام پناه آوردند



برخط آن از سوی بانک‌ها و نهادهای نظارتی امکان‌پذیر شود. آنچه بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ کرده، مصوبه‌هیئت وزیران با امضای معاون اول رئیس‌جمهور است که بر اساس آن می‌توان با وثیقه کردن سهام عدالت، یارانه نقدی، چک یا سفته، ربال دیجیتال، بیمه زندگی و سیم کارت تلفن نسبت به گرفتن وام اقدام کرد.

این وثایق جدید شامل سپرده‌ها و گواهی سپرده‌های بانکی ریالی و ارزی، دارایی‌های ثبت‌شده نزد شرکت سپرده‌گذاری مرکزی، اوراق بهادار بورسی و فرابورسی، املاک و مستغلات ثبت‌شده در سازمان ثبت اسناد، سهام و سهم‌الشرکه اشخاص حقوقی، خودرو و وسایل نقلیه دارای مجوز، شناور، هواپیما، فلات گرانتپا و ارزهای خارجی، ماشین‌آلات و تجهیزات، با رنامه‌های رسمی و قبض انبار، فلات گرانتپاهای امانی نزد بانک کارگشایی، چک و سفته معتبر، یارانه نقدی خانوار، سیم کارت و خط تلفن ثابت، کالاهای موجود در انبار با رسید انبارهای عمومی، بیمه زندگی و بیمه‌نامه‌های بلندمدت، ضمانت‌نامه بانکی معتبر، ربال دیجیتال صادرشده از سوی بانک مرکزی، سهام عدالت، حقوق و مزایای مستمر بازنشستگی، دانش فنی شرکت‌های دانش‌بنیان و خلاق، انواع مجوزهای کسب‌وکار، گواهی ثبت نرم‌افزارها و بازنامه الکترونیکی می‌شود.

بانک‌ها همرا می‌شوند؟

افزایش دسترسی عمومی به وام‌ها، کاهش انحصار وثایق سنتی، شفافیت و نظارت‌پذیری بیشتر و تأمین مالی غیرتورمی از مهم‌ترین

مزیت‌های وثیقه‌گذاری است که کارشناسان به آن اشاره دارند. آنها بر این باورند این طرح اگر به‌درستی اجراشود، می‌تواند یکی از کلیدی‌ترین اصلاحات نظام بانکی در حوزه وام‌دهی باشد، با این حال سخت‌توان باور کرد که بانک‌ها از آن استقبال کنند چراکه ارزش‌گذاری وثایق جدید و نقدسوندگی آنها پیچیده و سخت به نظر می‌رسد. از سویی دیگر دارایی‌های مثل ربال دیجیتال، بیمه‌نامه یا نرم‌افزارهای ثبت‌شده، به‌راحتی قابل فروش یا مبادره نیستند و همین موضوع احتمالاً باعث مقاومت بانک‌ها خواهد شد، همچنین سامانه جامع وثایق نیازمند اتصال کامل به بانک‌ها، نهادهای ثبت دارایی، نهادهای ناظر و بسترهای دیجیتال است، از این رو هرگونه ضعف در اتصال با استعلام، اجرای طرح را مختل خواهد کرد.

لزوم اصلاحات بانک مرکزی در پرداخت تسهیلات

نظام بانکی باید به گونه‌ای باشد که تمام اقشار جامعه، صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود، بتوانند بر اساس شرایط و نیازهای فردی، امکان دسترسی به وام در منابع مختلف را داشته باشند. تسهیلات خرد می‌تواند به توانمندسازی سرمایه‌گذاری‌های کوچک و گروه‌هایی همانند زنان خانه‌دار، دانشجویان، مشاغل آزاد و افراد فاقد سابقه وام‌گیری کمک کند.

بر این اساس بازنگری در نظام اعتبارسنجی و وثایق می‌تواند گامی مهم در راستای عدالت مالی و دسترسی فراگیر به تسهیلات باشد.

احد آقایی/کارشناس اقتصادی

پیامدها و تهدیدات بحران فولاد برای اقتصاد

صنعت فولاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه صنعتی و زیرساختی کشور، در سال ۱۴۰۴ با مجموعه‌ای از بحران‌های پیچیده و همزمان روبه‌رو شده است که می‌تواند پیامدهای منفی گسترده‌ای بر کل اقتصاد ملی به همراه داشته باشد. مهم‌ترین این بحران‌ها را می‌توان در دو حوزه اعتبارات اسنادی داخلی و رکود بازار محصولات فولادی مشاهده کرد که به همراه محدودیت‌های تأمین انرژی، چالش‌های پیش‌روی تولیدکنندگان را دوچندان کرده است.

اعتبارات اسنادی داخلی (L/C)، از جمله ابزارهای مالی کلیدی است که شرکت‌های تولیدکننده فولاد برای تأمین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز خود از آن بهره‌مند می‌شدند.

این اعتبارات به‌نوعی تضمین‌کننده جریان نقدینگی و ثبات زنجیره تأمین در این صنعت به شمار می‌روند، با این حال در سال ۱۴۰۴ شرایط اقتصادی کشور و به‌ویژه رکود شدید بازار موجب شده است تولیدکنندگان توان بازپرداخت تسهیلات و اعتبارات اسنادی را از دست دهند.

این معوق شدن اعتبارات، فشار مالی سنگینی را بر دوش تولیدکنندگان گذاشته و موجب شده است بانک‌ها نیز با محدودیت‌های حقوقی و مالی، سختگیری بیشتری در اعطای تسهیلات داشته باشند.

نتیجه این وضعیت، ایجاد یک چرخه معیوب کاهش سرمایه در بخش منجر شود و تبعات اجتماعی و اقتصادی فراوانی به همراه داشته باشد.

آمار رسمی منتشر شده، نشان‌دهنده رکود عمیق در بازار فولاد کشور است. تولید برخی محصولات کلیدی مانند میلگرد، تیرآهن و نبشی در چهار ماهه نخست سال جاری با کاهش قابل توجهی مواجه شده است.

میلگرد ساختمانی به عنوان اصلی‌ترین محصول فولادی مصرفی در بخش ساخت‌وساز، با کاهش ۱۸درصدی تولید به ۲هزار و ۲۵۲تیر تن رسیده است. این افت چشمگیر در پی رکود گسترده در بازار مسکن و تعطیلی پروژه‌های عمرانی رخ داده که به طور مستقیم تقاضا برای این محصول را کاهش داده است.

در ادامه، تیرآهن با کاهش ۵۵درصدی به ۴۴۷تیر تن و محصولات نبشی و نوادنی با افت ۷/۵درصدی به ۲۴۵هزار تن کاهش یافته‌اند که نشان‌دهنده ادامه فشار بر صنایع ساخت‌وساز و پروژه‌های عمرانی کوچک و متوسط است.

در نقطه مقابل، تولید ورق گرم با رشد ۷/۷درصدی به ۳هزار و ۴۳۷تیر تن افزایش یافته که این امر ناشی از تقاضای پایدار در صنایعی همچون خودروسازی، تولید مخازن صنعتی و سایر بخش‌های صنعتی است، با این حال تولید ورق سرد ۳/۷درصد کاهش سود تولیدکنندگان در تن رسیده که بیانگر افت مصرف در بخش‌های نهایی تر فولاد است.

به طور کلی این آمار، تصویر روشنی از یک بازار در رکود و تولیدی که تحت فشار است، به دست می‌دهد.

رکود بازار مسکن، تعطیلی پروژه‌های عمرانی و عدم رونق ساخت‌وساز به طور مستقیم بر تولید فولاد ساختمان اثر گذاشته و فضای اقتصادی کلان را تحت تأثیر قرار داده است.

در کنار مشکلات مالی و رکود تقاضا، بحران تأمین انرژی نیز چالشی جدی در سال ۱۴۰۴ برای صنعت فولاد ایجاد کرده است.

به گفته فعالان این صنعت، محدودیت‌های برق و گاز در فصل بهار سال جاری موجب کاهش ۸/۱درصدی تولید فولاد نسبت به مدت مشابه سال گذشته شده است.

این محدودیت‌ها، شرکت‌ها را مجبور به کاهش ظرفیت عملیاتی و حتی تعطیلی موقت خطوط تولید کرده و زنجیره تأمین فولاد را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است.

از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های تأمین انرژی باعث فشار بیشتر بر حاشیه سود تولیدکنندگان شده و فضای سرمایه‌گذاری و توسعه را تنگ‌تر کرده است.

صنعت فولاد به عنوان یک صنعت پایه، با تازب‌آب‌دهنده وضعیت کل اقتصاد کشور است و هرگونه بحران در این بخش، اثرات زنجیره‌ای بر سایر صنایع، اشتغال و رشد اقتصادی خواهد داشت.

معوق شدن اعتبارات اسنادی، رکود بازار و بحران انرژی به همراه کاهش تولید، می‌تواند به تعطیلی واحدهای تولیدی، افزایش بیکاری و کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر شود.

از سوی دیگر، وابستگی صنایع پایین‌دستی فولاد به این زنجیره تولید باعث می‌شود مشکلات در صنعت فولاد، کل چرخه تولید و تأمین را مختل سازد و به افت کلی تولیدات صنعتی و کاهش صادرات منجر شود.

برای مقابله با این بحران‌ها و بهبود شرایط تولید و بازار فولاد، مجموعه‌ای از اقدامات راهبردی باید در اولویت سیاستگذاران و نهادهای دولتی قرار گیرد:

۱. **تمدید و بازسازی اعتبارات اسنادی داخلی:** بانک مرکزی و بانک‌های عامل باید شرایط تمدید پروژه‌های بازپرداخت اعتبارات اسنادی داخلی را با دوره‌های تنفس حداقل شش ماه تا یک سال فراهم کنند تا فشار نقدینگی تولیدکنندگان کاهش یابد و از بروز بحران مالی گسترده‌تر جلوگیری شود.

۲. **تسهیلات ویژه و تضمین‌های دولتی:** وزارت صنعت، معدن و تجارت و نهادهای حمایتی باید با اختصاص تسهیلات مالی ویژه به شرکت‌های فولادی و تضمین‌های دولتی، فضای بهبود سرمایه در گردش را فراهم آورند و نقدینگی مورد نیاز را در اختیار زنجیره فولاد قرار دهند.

۳. **اولویت‌بندی تخصیص انرژی:** وزارت نیرو باید به صورت فوری تخصیص برق و گاز به صنایع فولادی را در اولویت قرار دهد تا از تعطیلی خطوط تولید جلوگیری و ظرفیت تولید حفظ شود.

۴. **تنوع‌بخشی به منابع انرژی:** سرمایه‌گذاری بلندمدت در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و تأمین منابع انرژی پایدار می‌تواند ریسک وابستگی به سوخت‌های فسیلی و نوسانات بازار انرژی را کاهش و ثبات بیشتری به تولید صنایع استراتژیک مانند فولاد دهد.

بحران اعتبارات اسنادی داخلی، رکود شدید بازار محصولات فولادی و محدودیت‌های تأمین انرژی، مجموعه چالش‌های مهم و چندجانبه‌ای هستند که در سال ۱۴۰۴ صنعت فولاد کشور را تحت فشار قرار داده‌اند.

بدون تدبیر، این صنعت که نقش کلیدی در توسعه صنعتی و اقتصادی کشور ایفا می‌کند، نیازمند تصمیمات سریع، هماهنگ و مؤثر از سوی دولت، بانک‌ها و نهادهای مرتبط است.

حفظ ثبات و تداوم تولید در این بخش حیاتی، نه تنها به حفظ اشتغال و درآمدهای ملی کمک می‌کند، بلکه ششید نیاز توسعه صنایع پایین‌دستی، رونق بازار ساخت‌وساز و تقویت اقتصاد کشور است.

امید است با تدابیر مناسب و حمایت‌های هذهفتد، صنعت فولاد بتواند از این دوره بحران عبور کند و به مسیر رشد و توسعه بازگردد.